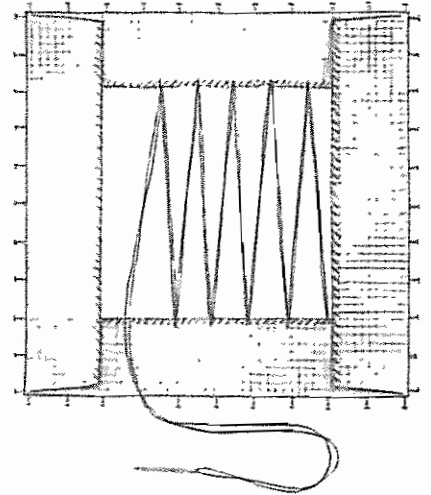


#### ۴ - دوخت حاشیه

وقتی طرح میوه را دوختید، از هر ضلع پارچه پنج سانتیمتر اندازه بگیرید. این قسمت اضافه برای پشت قاب استفاده می‌شود. سپس زمینه چهارخانه را که بین طرح میوه و حاشیه اضافه قرار دارد، بدوزید.



تصویر چهار

#### ۵ - قاب کردن پارچه شماره‌دوزی

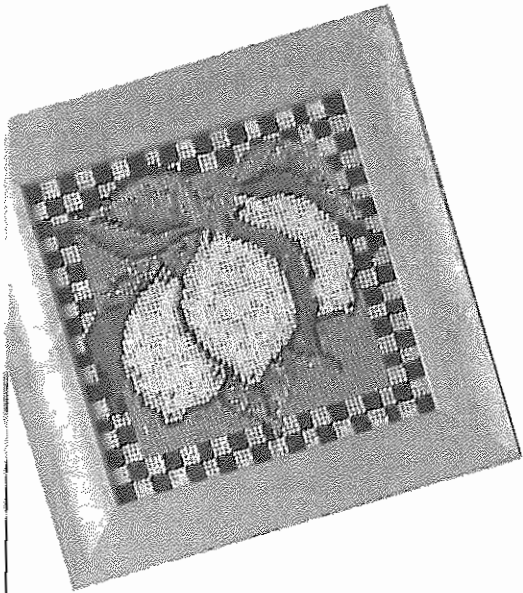
یک مقوای محکم انتخاب کنید و آن را درست به اندازه کادر کار ببرید. مقوا را پشت کار قرار دهید. باید از هر طرف مقوای بریده شده پنج سانتیمتر حاشیه اضافه پارچه شماره‌دوزی بیرون بماند. دقت کنید که کار را صاف و دقیق روی مقوا قرار دهید. لبه‌های اضافه را روی مقوا تا بزنید و مطابق تصویر چهار دو طرف مقابل آنها را با نخ دولا به هم کوک بزنید تا کار محکم روی مقوا ثابت بماند. اگر قبل از این کار لبه‌های پارچه راه، لبه دوزی کنید هم از نخ کش شدن پارچه جلوگیری کرده‌اید و هم پشت کارتان تمیزتر درمی‌آید.

به جای مقوا می‌توانید از یک چهارچوب چوبی ظریف هم استفاده کنید. (تصویر چهار)

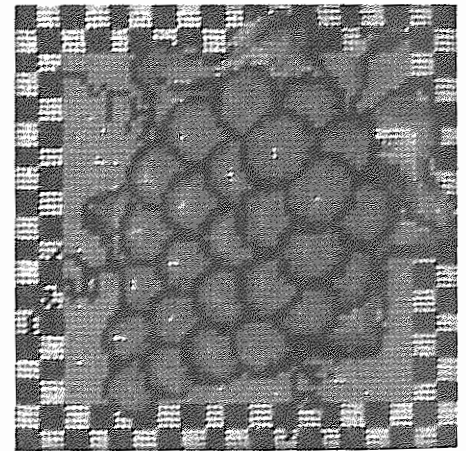
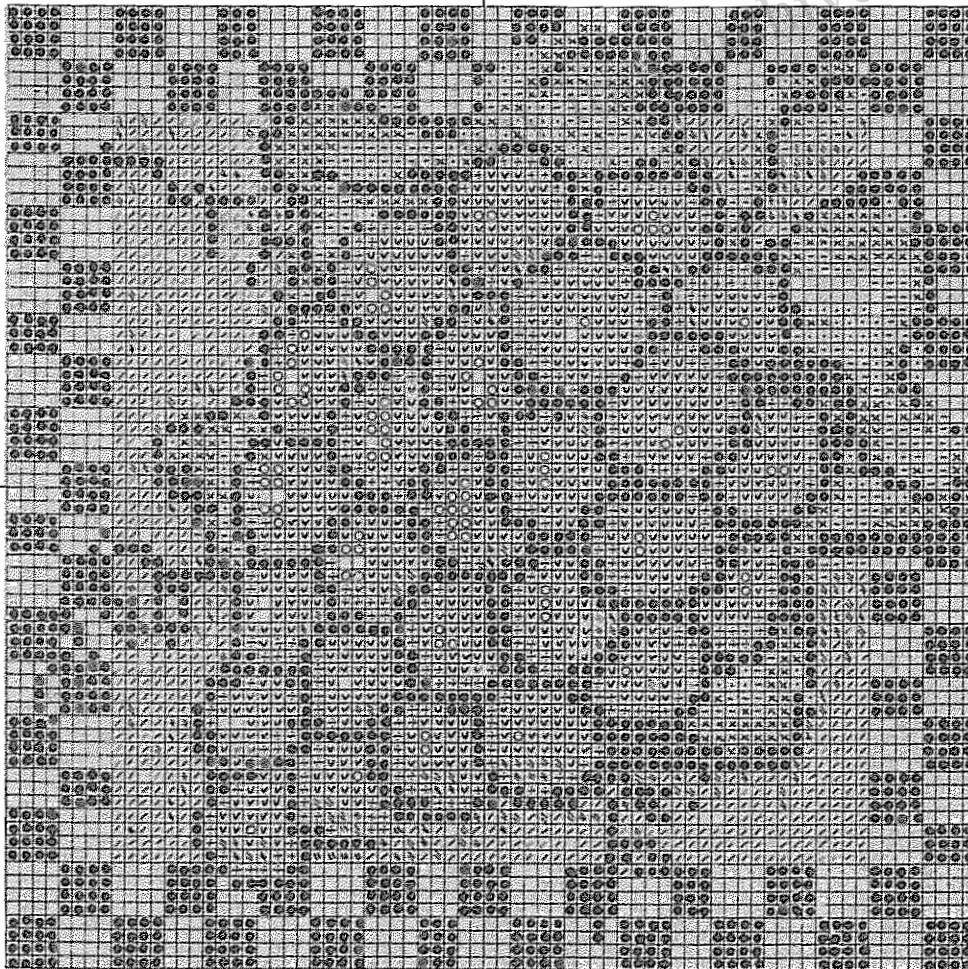
#### ۶ - قاب کردن

قاب متناسبی با رنگ کار و با سلیقه خودتان انتخاب کنید و پس از قاب کردن

طرحها، آنها را در محل مناسبی به دیوار نصب کنید.

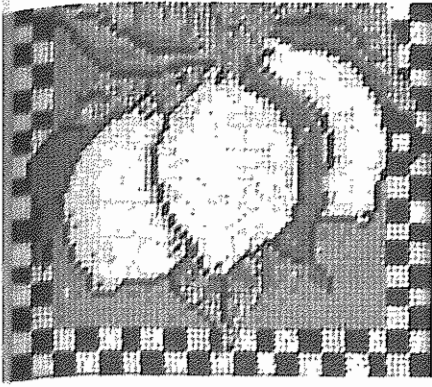


الگوی طرح انگور



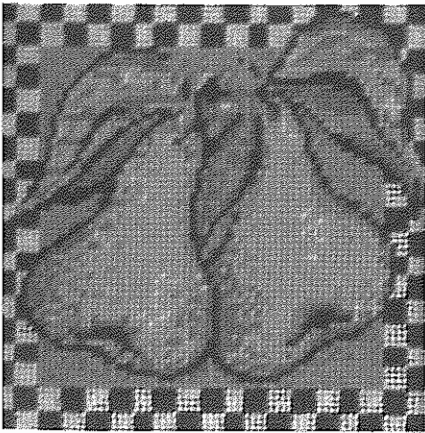
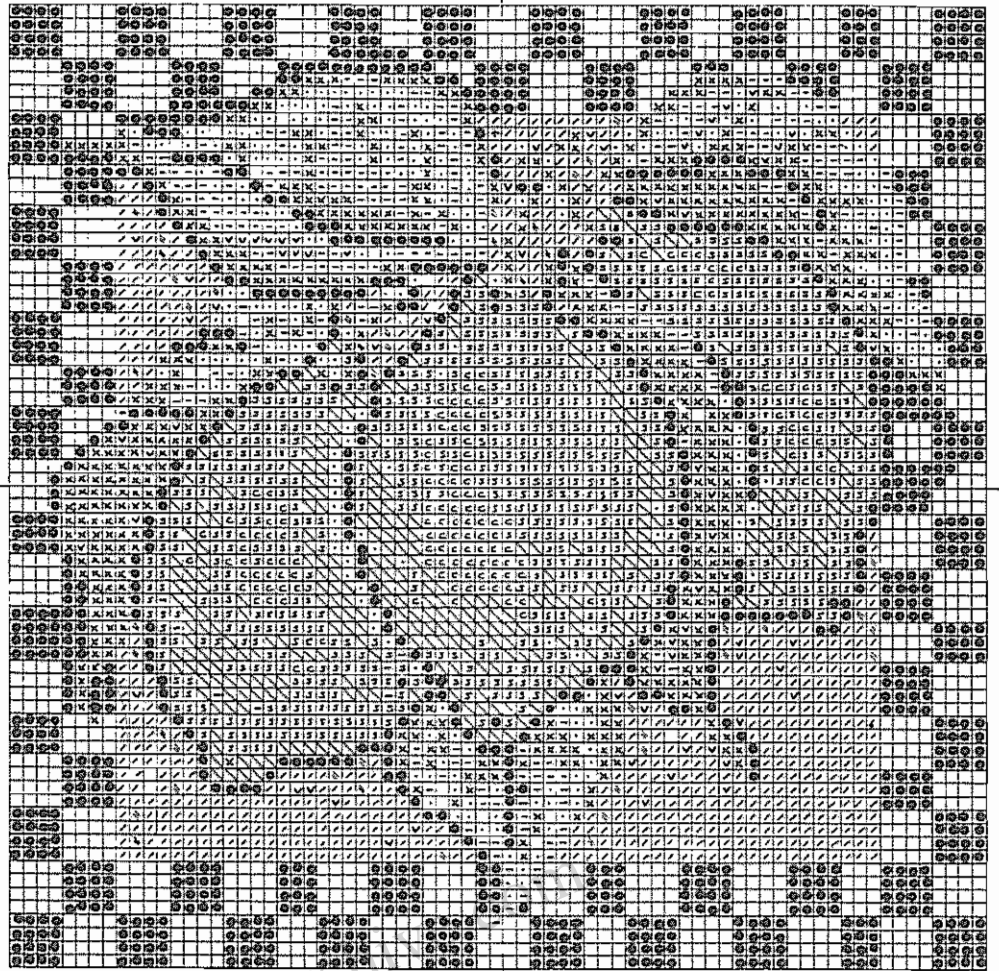
● طرح انگور

- سفید □
- سیاه ●
- سبز تیره X
- سبز کاهویی -
- سبز سدری ◻
- سبز زیتونی ○
- ارغوانی تیره ⊕
- بنفش کم‌رنگ /
- بنفش ✓
- بنفش پررنگ ↘



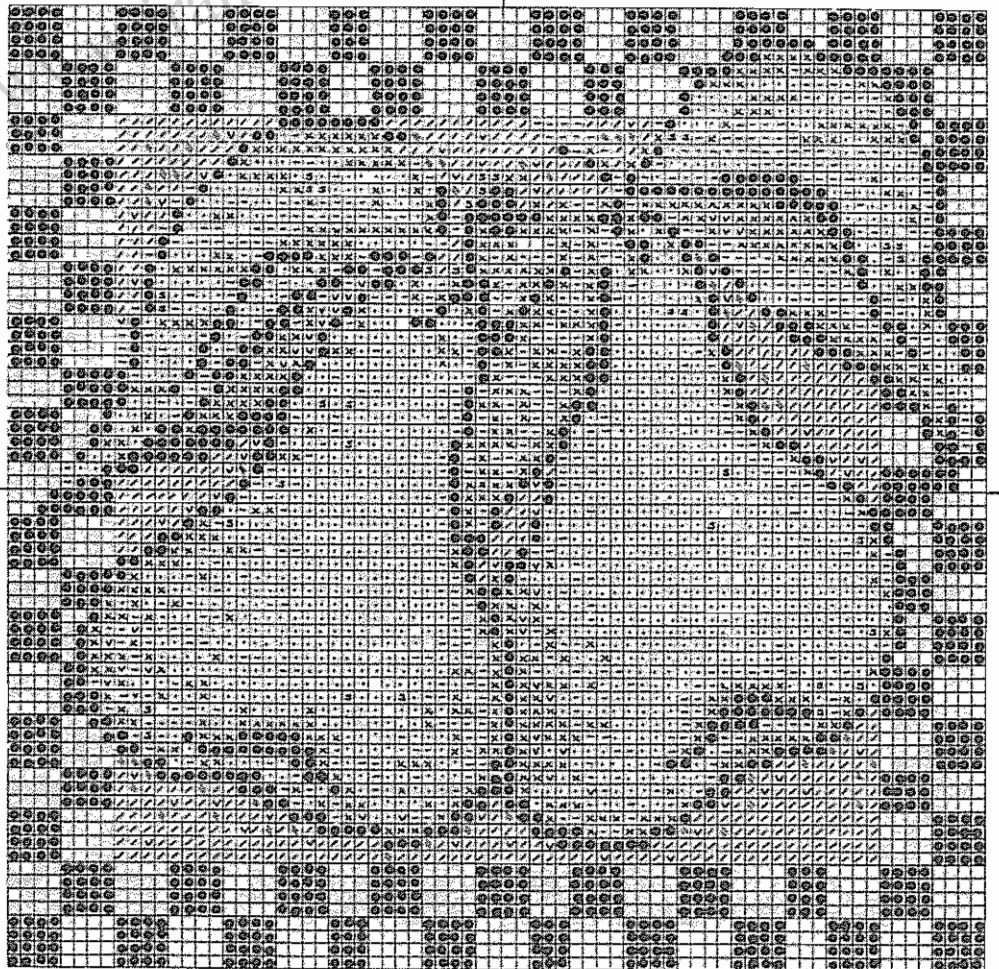
● طرح لیمو

- سفید □
- سیاه ●
- سبز سدري ○
- سبز کاهویی -
- سبز پررنگ X
- بنفش پررنگ //
- بنفش V
- بنفش کم رنگ /
- زرد کم رنگ C
- زرد لیمویی S
- زرد لیمویی روشن ▽



● طرح گلابی

- سفید □
- سیاه ●
- بنفش کم رنگ /
- زرد لیمویی S
- سبز سدري ○
- سبز کاهویی -
- سبز تیره X
- بنفش V
- بنفش تیره //



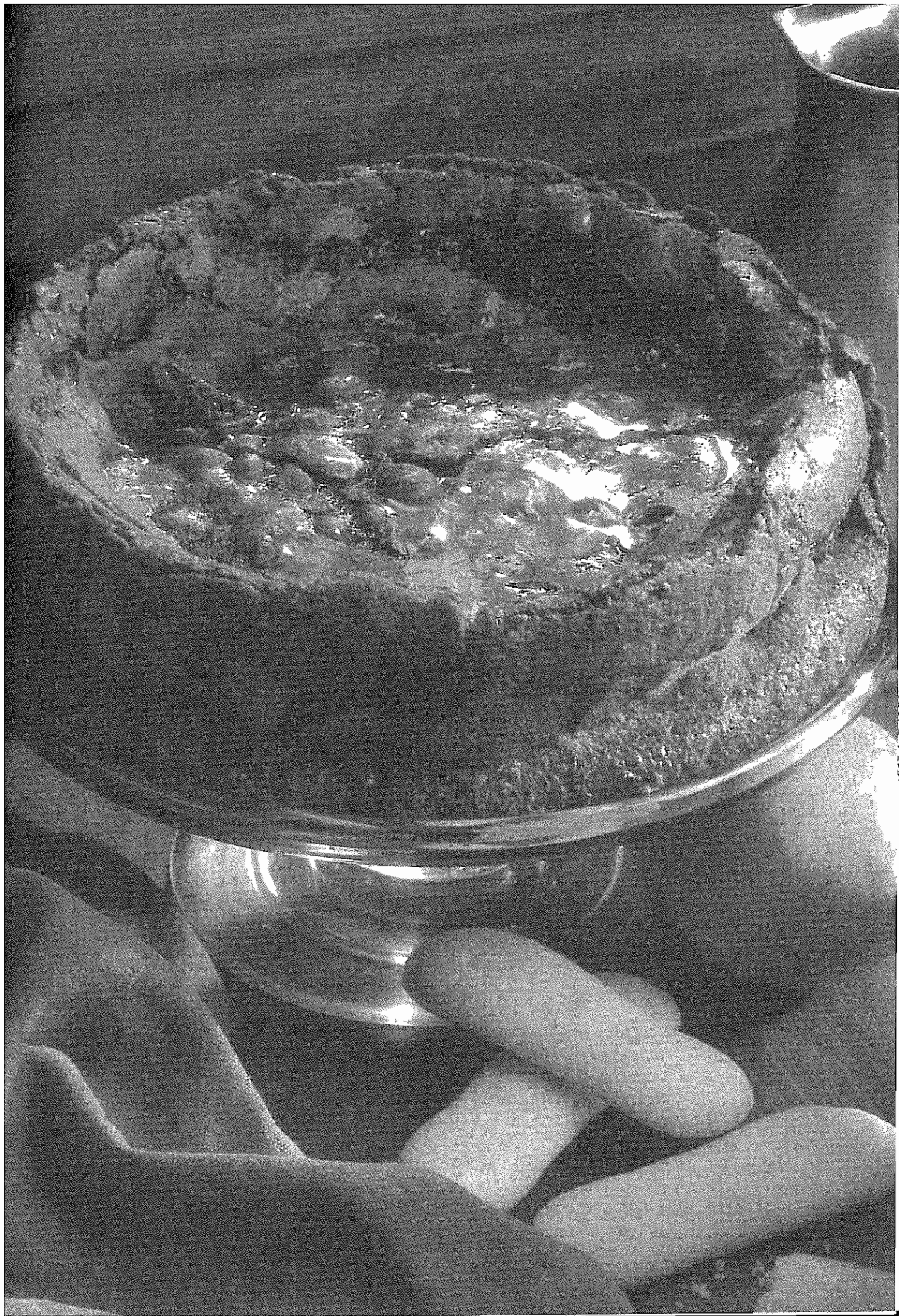


خرید لباس برای خانمها و دختر خانمها به صورت یک معضل درمی آید. آنها باید سرتاسر یک خیابان و یا یک منطقه را زیر پا بگذارند تا بتوانند تک تک خرید خود را انجام بدهند. تازه بعد از پایان خرید، زمانی که به خانه می رسند هنوز شک و تردید نسبت به اجناسی که خریده اند آنها را رها نمی کند که آیا شیکترین لباس را خریده اند؟ آیا نمی توانستند همین لباس را در فروشگاه دیگری با قیمتی ارزانتر بخرند؟

محدودیت انواع در یک فروشگاه مطمئناً آنها را در خرید لباس مورد نظر نیز محدود می کند. ما این مشکل اساسی را برای شیک پوشان تهرانی حل کرده ایم: «چین جیلا» مانتو سرای «چین جیلا» که در ابتدای خیابان فاطمی (شرقی) قرار دارد یکی از باسابقه ترین فروشگاههای زنانه است که شیکترین و متنوعترین مدل های لباس، از مانتو گرفته تا روسری، پالتو و بارانی و کت، در مجموعه زیبا و بی نظیر خود، یکجا گردآورده است.

فروش ارزانتر انواع لباسهای این فروشگاه، گاه این شک را در ذهن خریداران آن ایجاد می کند که چرا معتبرترین فروشگاه شهر از همه جا ارزانتر می فروشد؟ آقای صدیق صاحب «چین جیلا» در این مورد می گوید: معمولاً اگر هر صاحب حرفه ای بداند که مشتریانش را چگونه جذب کند، موفق خواهد بود. ما سود مشخص و مناسبی را در نظر می گیریم و مدل های مختلف خود را به قیمتی مناسب به خریداران عرضه می کنیم، ارزانتر از همه جا.

در این فروشگاه همه مردم شهر می توانند بیایند و دست پر بیرون بروند. بعضی از خانمها و دختر خانمها تصور می کنند که چون «چین جیلا» فروشگاه صاحب نام و معتبری است اجناسی در حد توان آنها برای خرید وجود ندارد در صورتی که این تصور اشتباهی است. مطمئناً یک بار آمدن آنها به اینجا، آنها را مشتری ثابت «چین جیلا» خواهد کرد.



# کیک سوفله شکلات

کیک فرو کنید. چنانچه میله و یا خلال دندان فقط کمی مرطوب شود، کیک آماده است.

۵- در طول مدتی که کیک درون فر قرار دارد می‌توانید شاهد را آماده کنید. شکر و ۱۰۰ میلی‌لیتر آب جوش را در یک ظرف کوچک ریخته، هم بزنید تا شکر حل شود. سپس آن را روی حرارت ملایمی قرار دهید تا جوش بیاید. حالا شربت را به مدت دو دقیقه با حرارت نسبتاً زیادی بجوشانید. شربت را از روی گاز برداشته و پودر کاکائو را الک کنید، به تدریج به آن شربت بیفزایید و مرتباً هم بزنید. در صورت لزوم شاهد را از صافی عبور دهید تا گلوله‌های کاکائو در آن نماند.

۶- کیک را از فر بیرون بیاورید و حدود پنج دقیقه کنار بگذارید تا خنک شود. با دقت کیک را از قالب درآورید و در ظرف دلخواه خود قرار دهید. سطح مرکزی کیک در اثر مجاورت با هوای خارج از فر، فرو می‌رود و به اصطلاح پف آن می‌خوابد. شاهد داغ را روی کیک بریزید و آن را بلافاصله سرو کنید.

کنید. شکلات، قهوه و کره را روی بخار آب ذوب کنید و آن را خوب هم بزنید تا نرم و یکنواخت شود. مخلوط را کنار بگذارید خنک شود.

۲- یک قاشق شکر، کنار بگذارید و بقیه شکر را با زرده تخم‌مرغ خوب بزنید تا حجم آن سه برابر و رنگ آن روشن شود. مخلوط بالا را به آن اضافه کنید و خوب بزنید تا کاملاً نرم و یکنواخت شود.

۳- سفیده تخم‌مرغ را آنقدر بزنید تا زمانی که قاشق را از درون آن بیرون می‌آورید، روی آن به فرم قیف کوچکی درآید. سپس یک قاشق شکر را به آن اضافه کنید و خوب بزنید تا به صورت مخلوط یکدستی (مزننگ) درآید. یک قالب کیک گرد (به قطر ۲۰ سانتیمتر) را چرب کنید و کمی آرد در سطح آن پاشید. مرننگ را به دقت با شکلات آماده شده مخلوط کنید و در قالب کیک بریزید.

۴- کیک را به مدت ۳۵ تا ۴۰ دقیقه در فر قرار دهید. برای امتحان کیک می‌توانید یک میله فلزی باریک یا یک خلال دندان، وسط

کیک سوفله شکلات بسیار لذیذ است و می‌توان آن را سرد یا گرم سرو کرد. یادتان باشد که کیک سوفله را نباید در یخچال گذاشت زیرا تازگی خود را از دست می‌دهد و خشک می‌شود اما می‌توانید شاهد آن را مدت یکماه در فریزر نگاه دارید. برای کیک سرد، شاهد سرد و برای کیک داغ هم شاهد سرد و هم شاهد داغ قابل استفاده است. ❧❧

## ● مواد لازم برای تهیه کیک:

- شکلات ساده ۲۲۵ گرم
- قهوه یک تا دو قاشق
- کره ۲۰۰ گرم
- شکر ۲۰۰ گرم
- تخم‌مرغ شش عدد

## ● مواد لازم برای تهیه شاهد:

- شکر ۱۲۰ گرم
- پودر کاکائو دو تا سه قاشق
- غذاخوری

طرز تهیه:

۱- فر را تا ۱۹۰ درجه سانتیگراد گرم

# بیسکویت گره‌ای

خمیر را به صورت نوارهای باریکی روی کاغذهای روغنی، با فاصله‌های مناسب، بریزید.

۳- خمیر آماده شده را به مدت هشت تا ۱۰ دقیقه در فر قرار دهید تا کناره‌های آنها قهوه‌ای شود، سپس آنها را روی پنجره‌ای فلزی قرار دهید تا سرد شود. می‌توانید هنگام سرو بیسکویتها مقداری خاکه قند روی آنها بپاشید. توجه داشته باشید که نباید بیسکویتها را با خاکه قند داخل ظرف در بسته بگذارید زیرا وجود خاکه قند، روی بیسکویتها را نرم می‌کند.

- آرد معمولی ۱۰۰ گرم

طرز تهیه:

۱- فر را قبلاً تا ۲۰۰ درجه سانتیگراد گرم کنید. دو ورق کاغذ روغنی را چرب کنید و روی آنها کمی آرد بریزید.

۲- سفیده تخم‌مرغ را اول به تنهایی و بعد با شکر خوب بزنید، سپس کره آب شده و بعد آرد الک شده را به آن بیفزایید. یک قیف متوسط با نوک ساده آماده کنید. خمیر را داخل قیف بریزید و بعد به کمک آن،

تهیه این بیسکویتها بسیار ساده

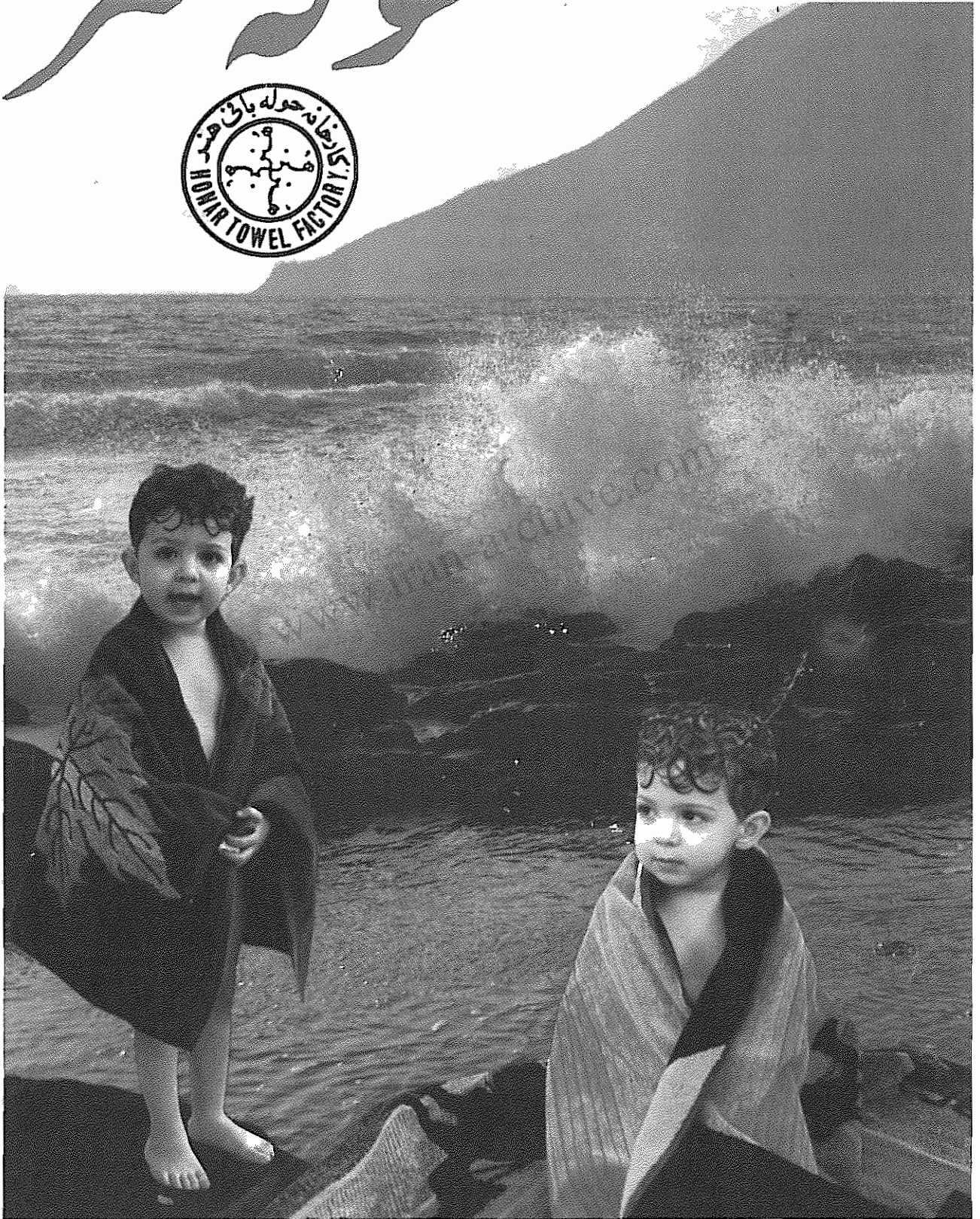
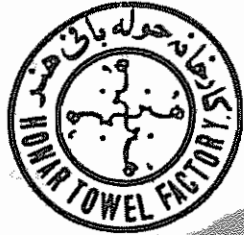
است و برای صبحانه یا پذیرایی بعد از ظهر همراه با انواع پودینگهای نرم، موسه‌ها و بستنی برای هر فصلی مناسب است. می‌توان این بیسکویتها را مدت چند هفته در ظرف در بسته نگهداشت و در موقعیتهای مناسب و دلخواه آن را سرو کرد. ❧❧

## ● مواد مورد نیاز

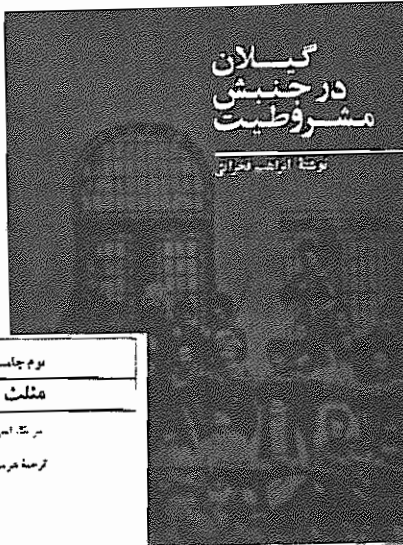
- سفیده تخم‌مرغ چهار عدد
- خاکه قند ۱۰۰ گرم
- کره ۱۰۰ گرم

روز و شب زیبایی در دستهای شماست

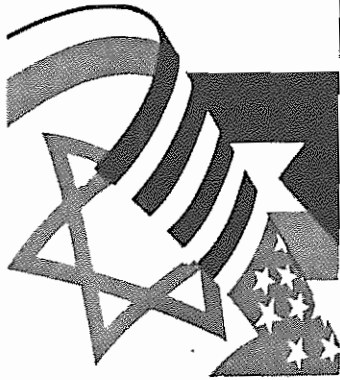
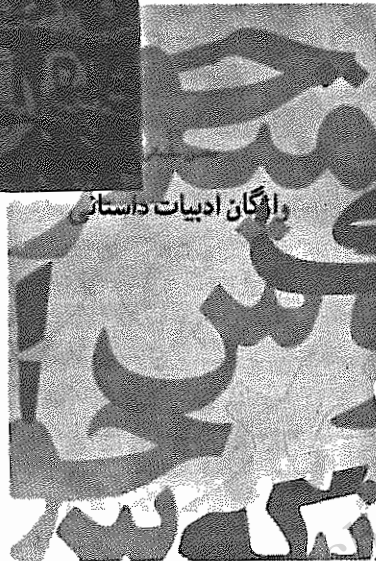
# حواله‌ها



محصولات صادراتی کارخانه حوله‌بافی هنر را میتوانید از فروشگاههای حوله و شرکت‌های تعاونی تهیه فرمائید.  
دفتر مرکزی: تلفن ۵۶۳۸۳۰۰ و ۲۲۲۶۳۱۲ فاکس و تلفن ۵۶۲۰۴۷۰ و ۲۲۲۴۶۹۰ تلکس HTFI-IR ۲۲۲۸۹۹ صندوق پستی تهران ۱۱۳۶۵/۶۵۶۸



نوم چاستکی  
مثلث سرنوشت  
برکت، امرامین و حسنیت  
فرصت هر چه همان نور



- تاریخ جامع ادیان (چاپ پنجم) با ویرایش جدید قیمت: ۷۰۰۰ ریال
- مثلث سرنوشت جلد ۱ و ۲ (چاپ اول) قیمت: ۲۱۰۰ ریال
- جلد دوم: ۲۶۰۰ ریال
- گیلان در جنبش مشروطیت (چاپ سوم) قیمت: ۱۸۰۰ ریال
- جلد زرکوب: ۳۰۰۰ ریال
- واژگان ادبیات داستانی (چاپ اول) قیمت: ۲۴۰۰ ریال

خواستاران کتابها در شهرستانها می‌توانند بهای آن را به حساب شماره ۴۹۶/۱۱ بانک مرکزی واریز نمایند (از همه شعب بانک ملی می‌توان به این حساب حواله کرد) و اصل فیش بانکی را همراه با فرم تکمیل شده زیر به دفتر مرکزی این شرکت ارسال دارند تا کتابها با پست سفارشی برای آنها فرستاده شود (لطفاً کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

اینجانب ..... به نشانی ..... کدپستی: .....  
 تلفن: ..... با ارسال اصل فیش بانکی شماره ..... به مبلغ .....  
 ریال درخواست می‌کنم نسبت به ارسال کتاب/ کتابهای ..... اقدام فرمایید.

انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی  
 (شرکت سهامی)



دفتر مرکزی و فروشگاه بزرگ کتاب: تهران، خیابان افریقا، چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، شماره ۴، کد پستی ۱۵۱۸۷؛  
 صندوق پستی ۳۶۶ - ۱۵۱۷۵ تلفن: ۷۰-۶۸۴۵۶۹ و ۵-۶-۱۷۶۰۸۰  
 فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، جنب دبیرخانه دانشگاه تهران

# نقد سخنرانی خانم مهر انگیز کار،

## تحت عنوان

## جایگاه زن در قانون کیفری ایران

مرژگان کیانی ثابت

آنچه می‌خوانید نقد یکی از خوانندگان عزیز ماست بر متن سخنرانی خانم مهر انگیز کار که در «اولین سمینار مشارکت اجتماعی زنان» ایراد و در شماره ۱۱ مجله زنان منتشر شده بود. امیدواریم که این، گشایش بایی باشد برای برخورد سالم آرا درباره مسائل زنان. ما در این زمینه پذیرای نظرات مختلف هستیم. «زنان» پاسخی برای این نقد دارد که در پی می‌آید. █

### مقدمه:

هرگونه ایراد و انتقاد به قوانین اسلامی خدشه در ایمان و اعتقاد و دین و مذهب اسلام است و ارتباط نزدیکی با اصول دین دارد. بنابراین حقیر اشکالات بنیادی و اساسی را که این گونه ایرادات ناشی از آن است، مطرح نموده و بحث کرده است.

۳ - در ضمن قبل از بازنگری و نگاه تحقیقانه در برابرها و نابرابریهای بین زن و مرد در قانون کیفری اسلام اولاً باید مقام والای زن در اسلام و قرآن را مورد عنایت قرار داد، ثانیاً باید توجه داشت که میزان تفاوت بین زن و مرد چیست.

۴ - منظور از مقام والای زن و یا انسان اعم از زن و مرد، مقام جسم و بدن او نیست. مقصود مقام روح و جان آدمی است اما انسان دارای دو بعد حیوانی و انسانی است. بعد حیوانی او در زندگی دنیوی است و در این دنیا لزوم به وجود زن و مردی است که مکمل یکدیگر باشند و تقسیم کار شود. امور سنگین و خشن به مرد واگذار شده است که از عواطف و لطایف کمتری برخوردار است و امور عاطفی که ظرافتی خاص دارد و تنها از ید توانای زن ساخته

۱ - آنچه در این مقاله مورد نقداست، جایگاه زن در قوانین کیفری اسلام است نه ایران. در زمان رژیم منحوط پهلوی قانون مدنی ایران یا بر آرای برادران اهل تسنن منطبق بود یا اصلاً خلاف دستورات اسلامی بود و با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در قانون مدنی تجدید نظر شد و به مرور زمان به طور کامل اصلاح خواهد شد. انشاءالله تعالی. البته بعضی قوانین مثل قانون مدنی خانواده به طور کامل اصلاح شده است. شایان ذکر است که در قانون مدنی نظر مشهور فقها مورد نظر است نه اعلم واقفه فقها.

۲ - نظر به اینکه اعم قوانین جمهوری اسلامی ایران از احکام و فقه جعفری نشأت گرفته است و منابع و مأخذ فقه جعفری ادله اربعه می‌باشد و ادله اربعه مشتق از وحی الهی و عصمت معصومین است و فروع دین که شامل احکام و فروع اسلامی است، تقلیدی و تبعیدی محض می‌باشد - علیرغم اصول دین که تحقیقی و عقلانی است - لذا





است به عهده زن واگذار شده است و این خشونت یا عتوفت سبب برتری یکی بر دیگری نیست چون ارادی نیست و هرکدام به امانت در وجود زن و مرد قرار گرفته است تا درجهت صحیح آن را بارور سازند. تبعاً به دنبال این دو ویژگی نیز، احکام و مسئولیتهای هرکدام فرق خواهد کرد که این تفاوت مسئولیت سبب تحقیر یکی و شرافت دیگری نیست.

۵ - مسلم است که وقتی از نظر فیزیکی و جسمی زن و مرد متفاوت باشند، مسئولیتهای هرکدام نیز متفاوت است اما آنچه طبیعت به همراه دارد و غیرارادی است، شرافتی به همراه ندارد. شرافت از آن چیزی است که انسان بتواند آن را کسب کرده و به کمال برسد و آن کمالی معنویت می آورد که در سبیل معنویت باشد. اگر منصب خلافت، قضاوت و... کمال و شرافت بود و عدم آن اهانت و تحقیر، معصومین - علیهم السلام - در کسب آنها تلاش می کردند. اما چرا ائمه اطهاراً هیچکدام جز علیؑ که پنج سال واندی حکومت کرد (آن هم با اصرار و پافشاری مردم)، بقیه حکومت را به دست نگرفتند؟ علی الخصوص بانوی بزرگوار اسلام - علیها السلام - چرا ایشان سعی در کسب منصب خلافت یا قضاوت نکردند؟ با اینکه به نظر بعضی بزرگان ایشان مقام والاتری از حضرت امیرالمومنینؑ داشته اند.

۶ - هر عقل سلیمی حکم به تفاوت میان مرد و زن خواهد کرد.

جینا لمبروزو روان شناس ایتالیایی، در کتاب روح زن آورده است: «در اینکه زن و مرد با هم فرق دارند، تردیدی نیست.» وقتی فی البداهه فرق میان دو روشن شد، مسلم است که وظایف آنها هم فرق خواهد کرد و به تبع وظایف، حقوق آنها هم متفاوت است.

تمامی روان شناسان قدیم و جدید، غرب و شرق، مسلمان و غیرمسلمان، همه بر این نظر اتفاق داشته اند که زن و مرد از لحاظ جسمی و روانی با هم متفاوتند. مثلاً زن از مرد سریع الهیجانتر است یعنی زن در مورد اموری که مورد علاقه یا ترسش هست، زودتر و سریعتر تحت تأثیر احساسات خویش قرار می گیرد و مرد سرد مزاجتر است. زن از مرد محتاطتر است، پرحرفتر و ترسو تر و تشریفاتیتر است. زن از مرد رقیق القلبتر است. اینها بعضی از تفاوتهایی بودند که استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام از قول روان شناسان قدیم و جدید در شرق و غرب بیان کرده بودند.<sup>۲</sup>

استاد مطهری در جای دیگر کتاب اشاره به نظریه یک خانم روان شناس به نام کلیود السون که در مجله زن روز شماره صدویک آن زمان (سال ۱۳۵۷ ه. ش) چاپ شده بود، می نماید. این خانم می گوید: «مردان همیشه عملیتر فکر می کنند، بهتر قضاوت می کنند...» بعضی جملات لمبروزو در کتاب روح زن نیز بدین قرار است: «آنچه باعث می شود زن شخص خود را فدای دیگران ساخته و میل خود را تابع سلیقه آنان نماید،... نیازمندی وی به دوست داشتن است قهراً او را تحت تابعیت دیگران قرار می دهد.» «مغز زن مانند ذره بینی است که احساسات سایرین را قویتر و شدیدتر جلوه گر می کند و همین خود دلیل حساسیت فوق العاده زن نسبت به آلام و اسقام دیگران می باشد.»

در جای دیگر نیاز به وجود این تفاوتها را میان زن و مرد ذکر می کند و می گوید: «بالاخره بر من مبرهن گردید که برای نظام اجتماع فرق روشنی بین وظایف زن و مرد لازم است.» در قسمت دیگری از کتاب اشاره می نماید که تفاوتهای مذکور مطلق نبوده بلکه استثناء پذیر است.

باتوجه به نظریات روان شناسان که ذکر شد، چند نکته اصلی در مورد روان شناسی زن مطرح است، اگر چه قابل استثناء است:

۱ - زن بیشتر تحت تأثیر احساسات است نه عقل و مرد عقلانیتر می اندیشد.

۲ - نظریات زن بیشتر تابعی است نه استدلالی.

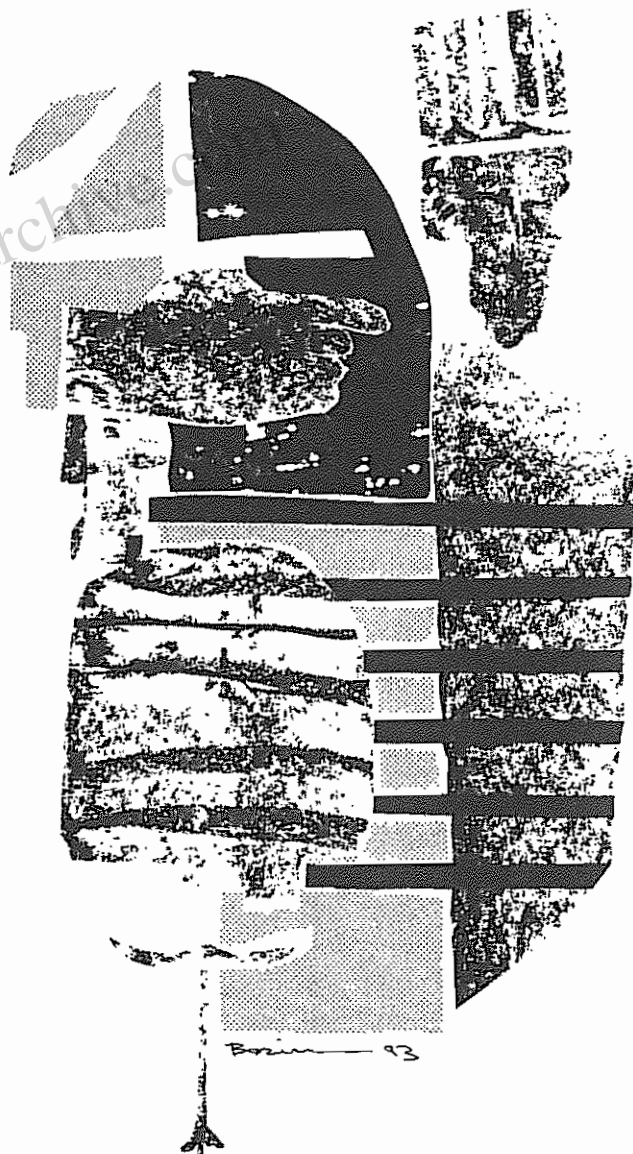
۳ - زن رقیق القلبتر است.

۴ - زن بهتر از مرد قضاوت نمی کند بلکه مرد بهتر قضاوت می کند، عملیتر فکر می کند و سازمان دهندهٔ بهتری است.

زمانی که تعداد این روان شناسان زیاد شود، یقین حاصل خواهد شد که بالاخره زن و مرد از جهاتی متفاوتند به خصوص در چند نکته اصلی اخیر که اکثریت روان شناسان متفق القولند و اسلام نیز بعضی را تأیید کرده است.

باتوجه به نکات ذکر شده، فردی که بتواند بهتر قضاوت کند مسلم است که او باید بر منصب قضاوت بنشیند و این فضیلت و شرافت نیست، امر زائده ای است و اینکه زن نمی تواند قاضی شود<sup>۳</sup> نیز به همین سبب است، در ضمن اتفاق جنس سبب احیای حق نخواهد بود. تقوی شرط اساسی عمل است. چه بسا قاضی زن باشد و به سبب عدم تقوی با اخذ رشوه حقی را از زنی تضییع نماید و چه بسیارند قضاتی که مرد هستند و به علت تقوی حق تضییع شده زنی را احیاء کرده اند.

در تائی زنی که تحت تأثیر احساسات خود قرار بگیرد و تحت تابعیت دیگران باشد و رقیق القلبتر باشد از مرد، مسلم است که





نمی‌تواند خوب شهادت بدهد. چه بسا صحنه‌هایی را که می‌بیند، بیش از حد وی را تحت تأثیر قرار دهد و کم‌و‌زیادی در آن راه بدهد و لو ناخودآگاه باشد و یا دیگران قضاوتی ناصحیح کنند و وی را تحت تابعیت نظر خود قرار دهند و با شهادت ناصحیح حقی از مظلومی ضایع گردد.

نتیجه آنکه بالاخره زن و مرد با هم متفاوتند و کسی نمی‌تواند منکر این تفاوت شود و این تنها نظر اسلام نیست و تنها در عصر حاضر این بحث وجود نداشته است. منتهی باید مشخص شود که این تفاوتها که تفاوت در مسئولیت اجتماعی و اجرایی را به همراه دارد، سبب نقص و کمال نیست بلکه تناسب است زیرا از نظر اسلام تفاوت میان زن و مرد سبب برتری یکی و نقص دیگری نیست. «تفاوتهای زن و مرد تناسب است نه نقص و کمال. قانون خلقت خواسته است با این تفاوتها تناسب بیشتری میان زن و مرد که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده‌اند و مجرد زیستن انحراف از قانون خلقت است، به وجود آورد.»

علامه طباطبایی - رضی الله عنه - در تفسیرالمیزان ذکر می‌کنند که وجود زیادی قوه تعقل در مرد یک زائده است نه معیار فضل و کمال، البته وجود عواطف بیشتر در زن هم همینطور است که یک امر زائده برانسانیت است نه معیار کرامت و شرافت انسانی. بلکه زن و مرد در شرافت و کرامت انسانی با هم فرقی ندارند. «ولقد کرمتا بنی آدم: ما فرزندان آدم را کرامت دادیم.» فرزندان آدم هم شامل زنان است هم مردان و هر دو یک کرامت دارند.

در کتاب زن در آینه جلال و جمال از آیه‌الله جوادی آملی آمده است: «اگر چنانچه تفاوتی از نظر عقلی باشد، عقل به این معنا، ابزار انجام کارهای دنیاست...»

نتیجه آنکه عقلی که شرافت و کمال انسانی به اوست، عقلی است که در روایات معصومین<sup>ع</sup> تفسیر به چیزی شده است که انسان به وسیله او حق را بفهمد و عمل کند: «العقل ما عبد به الرحمان و اکتسب به الجنان» که عقل بدین معنا در زن و مرد مشترک است. ولكن در عرف بین این دو معنای عقل فرقی نمی‌گذارند و مغلطه می‌کنند.

علاوه بر مطالب فوق، یک اصل کلی نیست که تمامی زنان عقلشان در امور اجرایی و دنیوی از مردان کمتر باشد. زنان بسیاری بوده و هستند که از بسیاری مردان عقلشان بیشتر بوده است، قضاوتشان صحیح‌تر است. مدیریت بهتری می‌دانند، تحت تابعیت دیگران و احساسات فرد نیستند، این یک قاعده کلی و اصل استثناء‌ناپذیر نیست. مثلاً بانوی بزرگوار اسلام حضرت فاطمه زهرا - سلام... علیها - را در نظر بگیرید که به طور قطع و مسلم عقل و قضاوت و مدیریت ایشان تحت تأثیر احساسات و تابعیت از دیگران نبوده است و خیلی عقل و قضاوتشان از تمامی مردان (نه تنها بعض مردان) بیشتر بوده است و با ائمه معصومین<sup>ع</sup> هم برابر بوده است نه کمتر. اما مع‌ذکب ایشان بر منصب خلافت یا قضاوت نشستند.

چیزی که هست زنان مسلمان باید ارزش واقعی زن را که همان ارزش و شرافت انسانی است از نظر اسلام به خوبی درک کنند و وظیفه انسانیت خود را بشناسند و عمل کنند و به اهانت و مهمل‌گویی نابخردان اعتنا نکنند زیرا اگر تمام عالمیان از پذیرش حقیقت سر باز زنند، حقیقتی را که خداوند سبحان مقرر داشته است نمی‌توانند عوض کنند.

۷- قبل از ورود در فقه و قوانین مدنی اسلامی (که باز همان فقه است) باید وارد مسائل اعتقادی و اصولی اسلام شد. بعد از اعتقاد

به توحید صفاتی و عدل الهی که هر دو از اصول دین محسوب می‌شوند، می‌توان وارد فقه شد. مختصراً توضیحی در ذیل می‌آید.

#### توحید صفاتی:

بعد از قبول توحید ذاتی به دلیل عقلی و نقلی<sup>۵</sup> که جهان خالقی دارد و این خالق تنها یکی باید باشد نوبت به انواع دیگر توحید می‌رسد: توحید افعالی و توحید صفاتی.

مقصود از توحید صفاتی آن است که یک سری صفات ثبوتیه وجود دارند که این صفات به حد کمال و بی‌انتهای فقط مخصوص باریتعالی است. و یک سری صفات، سلبیه است. این صفات به طور کل از باریتعالی نفی می‌شود. از این صفات ثبوتیه می‌توان حکمت الهی را نام برد. خداوند حکیم است و تنها اوست که خوب و بد بشر را می‌داند و به مصالح بشر حکم می‌راند و کار عبث و بیهوده انجام نمی‌دهد و به ضرر بندگان رفتار نمی‌نماید، اگر چه مصلحتی را بیان نکند.

#### عدل الهی:

عدل الهی نیز جزء صفات ثبوتیه الهی است، منتهی به لحاظ اهمیت ویژه آن در اصول اعتقادات یک فصل جدایی برای آن باز شده است. عدل الهی به معنای آن است که خداوند هیچ ظلمی به بندگان خود روا نمی‌دارد و تنها به مصالح آنان رفتار می‌نماید.

نتیجه آنکه اگر اعتقاد به این دو اصل از آفت شک و ریب در امان باشد تفاوت در احکام بین زن و مرد یا در سایر موارد که به نظر ظالمانه می‌رسند، حل شده خواهد بود.

اکنون با ذکر این هفت مقدمه می‌توان وارد بحث شد.

### کتاب اول / باب چهارم

ماده ۴۹ و تبصره اول آن که اشاره به تیری اطفال مجرم و مقصود از طفل را دارند بیانگر آن است که طفل آن است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و این من باب نابرابری فاحش بین دختر و پسر تلقی شده بود.

یک دختر وقتی به سن نه سال تمام می‌رسد رشد عقلی او مطابق با پسر ۱۵ ساله است. در این سن نه سالگی است که خداوند کرامتی خاص به دختر می‌بخشد و او را به حضور می‌پذیرد، احکامی را بر او واجب و بعضی دیگر را حرام می‌نماید و احکام اسلام تنها شامل طهارت، نماز، روزه، و خمس و زکات نیست بلکه احکام اسلام شامل حدود هم می‌شود، شامل دیات هم می‌شود و هزاران مسائل دیگر. احکام اسلام تنها عبادتی نیست بلکه اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است و دختر در نه سالگی قدرت درک تمام این مسائل را دارد برخلاف پسر نه ساله که هنوز در فکر بازی است و عقل او از درک چنین مسائلی عاجز است و زودتر مکلف شدن دختران ارزش است به زن.<sup>۶</sup>

مطلب دیگر آن است که آنچه بالاتفاق یا به شهرت مورد نظر علما باشد از آن جهت که می‌تواند بیانگر حکم واقعی معصومین<sup>ع</sup> باشد، تجدیدنظر و مخالفت با آن غیرممکن است، چون مخالفت با قوانین شارع مقدس یعنی خداوند تبارک و تعالی است.

### نابرابری در کیفیت اجرای حد زنا

ماده ۱۰۲: «مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه درگودال دفن می‌کنند، آنگاه رجم می‌نمایند.»

می‌شود.»

اینکه در اینجا تخفیف فقط نسبت به پدر و جد پدری می‌باشد، ممکن است به جهت ولایت ایشان بر فرزند باشد و ولایت داشتن به معنای این است که امور فرزند تا قبل از بلوغ به دست ایشان است نه اینکه کرامت و شرافت پدر و جد پدری بیش از مادر است. چرا که در دین مبین اسلام حق مادر اعظم از حق پدر است.<sup>۱</sup>

در اسلام هیچ حقی نیست که به ضرر فرد باشد که حقی در مقابل آن به نفع اوست. تنها خداوند سبحان است که تمام حقوق به نفع اوست و هیچ حقی بر ضرر وی نیست لذا اگر در مورد قذف تخفیفی نسبت به پدر است، در بسیاری موارد مادر فضیلت و برتری به پدر دارد لذا این مورد هم سبب تفاوت و نابرابری نیست، چون ارزش نیست. به هر حال پدر و جد پدری هم مجازات می‌شوند منتهی کمتر.

### کتاب سوم / قصاص نفس

#### باب اول «قصاص نفس»

ماده ۲۰۹: «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد، محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل،



نصف دیه مرد را به او بپردازد.»

در جواب باید گفت که اولاً دیه‌ای که برای انسان در شرع در نظر گرفته شده است مطابق با ارزش اقتصادی انسان است. بدین معنا که این انسان مقتول اگر مورد قتل واقع نمی‌شد، چقدر می‌توانست کسب و کار کند و چه میزان می‌توانست مال به دست آورد<sup>۲</sup> که الان بازامانگان و ورثه وی مورد زیان مالی واقع شده‌اند که این کارکرد از قاتل گرفته می‌شود.

اینک از آنجایی که قدرت بدنی مرد بیش از قدرت بدنی زن است و مرد دوبرابر زن می‌تواند کار کند و مال به دست آورد لذا دیه مرد دو برابر دیه زن است و این به معنای نابرابری میان زن و مرد و یا بی‌ارزشی و کم‌ارزشی زن نیست چرا که اگر چنین باشد پس باید بگوییم که علم و تقوی و سایر فضایل در اسلام بی‌اعتبار و فاقد هرگونه ارزشی هستند. زیرا دیه یک مرد باتقوی و عالم و صاحب فضایل با دیه یک مرد فاسق و لایهالی و اهل فساد یکی است. آیا واقعاً این چنین است؟! هر عقل سلیمی که کوچکترین تدبیر در آیات قرآنی و روایات و احادیث کرده باشد، قطعاً جواب منفی خواهد داد. با توجه به اینکه قرآن کریم می‌فرماید: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون؟» این آیه استفهام انکاری است و این معنا را می‌رساند که علما با جاهلان برابر نیستند. و یا «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» بیانگر ارزش و فضیلت تقوی است و بسیاری دلایل نقلی که بیانگر ارزش فضایل هستند پس علم و یا دیگر فضایل در اسلام فاقد ارزش و اعتبار نیستند بلکه اینجا موضوع دیگری است و دیه فقط صرف کارکرد اقتصادی زن و مرد است.

این نابرابری به طور قطع بنا بر مصالحی بوده است که شارع مقدس تشخیص داده است ولی آنچه به نظر حقیر می‌رسد ممکن است این نابرابری بدین لحاظ باشد که چون قدر رجم تا مقدار مشخصی است و مجرمین بعد از آن باید رها شوند و اگر فرد زانی یا زانیه هنوز زنده بودند یا فرار می‌کردند دیگر نباید آنها را تعقیب نمود و به قتل رسانید شاید شارع مراعات زن را کرده است که اگر باردار بود و تشخیص داده نشد و خود وی هم نمی‌دانست<sup>۳</sup>، فرزند وی آسیب نبیند و شاید رعایت ضعیف‌تر بودن جسم زن باشد.

### نابرابری در شناخت عمل مجرمانه

#### کتاب دوم / باب سوم «مساحقه»

ماده ۱۳۴: «هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند، بدون ضرورت، برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانہ تعزیر می‌شوند.»

در این مورد شاید صحبت از عفت زنان باشد. چون عفت زنان چنین اقتضای می‌کند دو زن برهنه، بدون ضرورت در زیر یک پوشش قرار نگیرند. چون از زنان عقیقه و صالحه این‌گونه اعمال سرنمی‌زند. در ضمن حیا در زن بیش از مرد است. مردان حیای زیادی به حد زن ندارند و زمانی که دوزن که قرابت نسبی هم ندارند، بدون ضرورت و بدون شرم و حیا جرأت نمایند که برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند، چنین شرم و حیایی هم ندارند که اعمال خلاف انجام ندهند.

### نابرابری در سقوط حدّ قذف:

ماده ۱۶۱ که ناظر به سقوط حدّ قذف از مردی است که زنش را پس از قذف لعان کند، می‌باشد.

کسی که مورد قذف قرار می‌گیرد، ممکن است در واقع حقیقت را بیان کرده باشند و یقین به آن داشته باشند اما به دلیل آنکه شاهد ندارد و یا آنکه شاهدان در دادگاه شهادت نداده‌اند و یا به هر دلیلی نتوانسته است مدعی خود را ثابت کند، مورد قذف قرار می‌گیرد اما مهم این است که جرم برای قاضی ثابت شود و یقین به آن نماید تا حکم دهد.

حال مردی که همسر خود را قذف می‌کند شاید یقین پیدا کرده باشد و خود دیده باشد ولی شاهد ندارد و زن هم اقرار نمی‌کند لذا حدّ قذف از چنین مردی برداشته می‌شود. مسلماً مرد خیلی سریع‌تر و آسان‌تر می‌تواند به خلاف همسر خود یقین کند اما برای زن بسیار دشوار است که به چشم خود ببیند که شوهرش خلاف می‌کند. گذشته از آن، از کجا می‌داند که حتماً خلاف است؟ شاید عقد (دائم یا موقت) باشد وزن از آن عقد بی‌خبر است، مرد می‌تواند همسران متعدد دائمی یا موقت اختیار کند اما زن شوهردار نمی‌تواند همسر دیگری چه دائم چه موقت اختیار کند. لذا اگر مرد همسر خود را با مرد بیگانه‌ای در حین گناه ببیند صرف دیدن می‌تواند یقین به نامشروعیت عمل نماید. اگر چه به اکراه و رضای زن پی نبرد<sup>۴</sup> اما زن نمی‌تواند اگر شوهر خود را بازنی دید، یقین به زنا کند. لذا سقوط حدّ قذف پس از لعان فقط در مورد مردی است که همسر خود را قذف کرده است.

### نابرابری در مجازات حدّ قذف

ماده ۱۲۹: «هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند، محکوم به حدّ می‌شوند.»

تبصره: «اگر پدر و جدّ پدری فرزندش را قذف کند، تعزیر

### نابرابری در حقوق مدعی

کتاب سوم / باب اول «کیفیت استیفای قصاص»

ماده ۲۵۸: «هرگاه مردی، زنی را به قتل برساند، ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می‌تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید.» جواب آنکه وقتی مردی زنی را به قتل رساند، دو حق ثابت می‌شود: یک حق برای ولی دم زن که حق قصاص است و دیگری حق گرفتن نصف دیه برای قاتل. اگر یکی از دوطرف از حق خود بگذرد دلیل بر آن نیست که دیگری هم از حق خود بگذرد. ولی دم مقتول خود راضی بر ضرر گشته است و از حق خود گذشته است و این مستلزم متضرر شدن قاتل نیست که از حق نصف دیه خود بگذرد.

### نابرابری در حقوق مدعی

کتاب سوم / باب دوم «قصاص عضو»

ماده ۲۷۳ که آن هم ناظر به این است که دیه نقص عضو، اگر ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، دیه زن نصف است. این هم همان جواب برای قصاص نفس را دارد که گذشت.

### دفع شبهه

در خاتمه بحث از نابرابریهای قانون مجازات اسلامی نتیجه‌گیری شده بود که زن در مقام مدعی و صاحب خون و مقام شاهد و قسم خورنده در موقعیت بسیار متزلزل و ناپایداری قرار دارد که متأسفانه نسبت به جان او به نوعی قیمت‌گذاری شده است که این نوع قیمت‌گذاریها نهایتاً به تأخیر یا توقف در اجرای حکم قصاص و نابرابری در مجازات جانی می‌انجامد.

از این عبارات برمی‌آید که شناخت نسبت به مقام انسان علی‌الخصوص زن در اسلام و قرآن بسیار ضعیف است چرا که همانطور که در اول بیان شد دیه، قیمت‌گذاری جان آدمی نیست بلکه فقط صرف ارزش کارکرد اقتصادی آن است.

### نابرابری در ارزش خبرگی زن و مرد

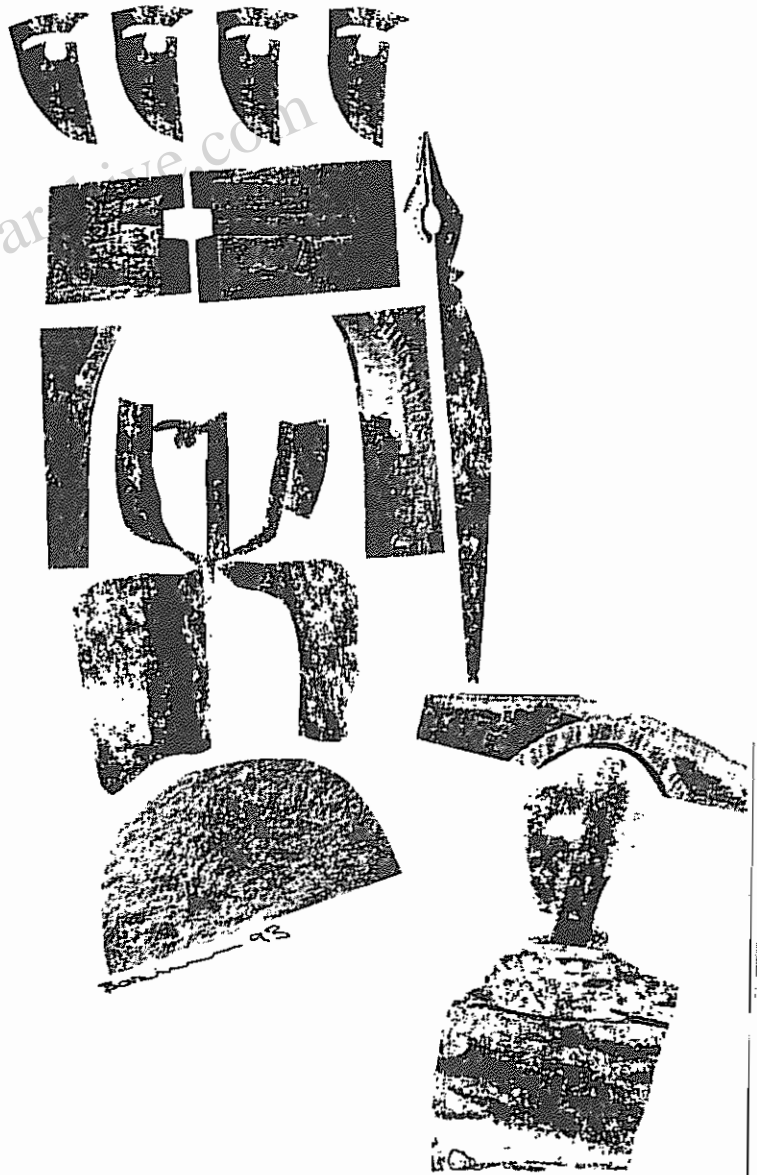
ماده ۴۵۹ که ناظر به مورد اختلاف دیه بینایی بین جانی و مجنی علیه است که با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک مرد خبره و دو زن خبره عادل دیه ثابت می‌شود در ذیل این ماده آمده بود که قانونگذاری برای گواهی و نظریه زن خبره بهایی قایل نیست و گواهی او را تا میزان نصف ارزش گواهی یک مرد خبره و هم‌تراز او ارزیابی می‌کند آن هم مشروط بر اینکه عادل باشد. در اینجا نه تنها نابرابری در حقوق فردی زن محقق شده است بلکه توجه به علم و تجربه زن خبره نیز موکول بر حضور و تأیید یک خبره مرد در کنار دو زن خبره عادل گردیده است که مبتنی بر نابرابری است.

همچنانکه قبلاً اشاره شد اینها ملاک ارزش و بها نیست بلکه تنها صرف خصوصیت روحی و روانی زن است و آن همه روایات و آیات در خصوص ارزش و مقام زن قابل انکار نیست و همچنین آن همه روایات و آیات در خصوص ارزش و مقام علم و دانش.

مطلب دوم آنکه در هر حال برای هر شهادتی اعم از اینکه زن شهادت دهد یا مرد، تنها شهادت فرد عادل قابل قبول است و اینکه در این ماده گفته است یا یک مرد خبره و دو زن خبره عادل و صفت عادل را برای مرد ذکر نکرده است، چون در چند کلمه قبل این صفت آمده است به دلیل آیه نبأ در سوره حجرات، یک قاعده کلی در فقه است که شهادت فاسق به طور اصل و کل غیر قابل قبول است.

مرد هرکاری می‌تواند برای کسب و کار انجام دهد از قبیل باربری، بنایی، نانوائی و غیره اما زن به علت حفظ عفت و وقار خود و رعایت شئون اسلامی و علاوه بر اینها عدم قدرت جسمی نمی‌تواند به هر کاری دست زند لذا یک دوم مرد می‌تواند کسب کند. باتوجه به مطالب فوق چون دیه زن نصف دیه مرد است لذا اگر مردی عمداً زنی را بکشد باید قصاص شود اما ولی دم زن نصف دیه مرد را به او ضامن است. شاید این براساس قاعده «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» باشد. هیچ کس در اسلام ضرر نمی‌بیند و نمی‌تواند به دیگری ضرر برساند. قاتل قصاص می‌شود چون جان انسانی را گرفته است اما در این باب نباید ضرر کند که نصف دیه را نگیرد. اسلام حتی به قاتل ظلم روا نمی‌دارد و اگر اولیای دم زن در پرداخت این پول کوتاهی کند کسی مقصر نیست.

حال اگر زنی، زنی را بکشد و یا مردی، مردی را بکشد، مسلم است که دیه برابر است و اولیای دم چیزی را ضامن نیستند. در مواردی هم هست که اگر مقتول مرد باشد ولی دم باید دیه به قاتل بپردازد در قبال قصاص و آن جایی است که مثلاً سه زن قاتل یک مرد باشند. اگر ولی دم بخواهد قصاص کند، باید دیه یک زن را به قاتلین بدهد که هر کدام یک سوم بردارند و سپس حق قصاص دارد.



## یک نابرابری خاص در مجازات‌های تعزیراتی نسبت به زنان

تبصره ذیل ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات که ناظر به تعزیرات زنان فاقد حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی است، اینکه قانونگذار فقط عدم پوشش برای زنان را موجب تعزیر می‌داند، بدین علت است که در اسلام برای مردان دستور حجاب و پوشش نیست، فقط پوشش عورتین برای مردان واجب است البته از نظر اخلاقی پسندیده نیست که مردی فقط با پوشش عورتین در جامعه بیاید. ولی اگر آمد فعل حرامی مرتکب نشده است.

در ادامه همین بحث اظهار تأسف شده است از فقدان ضوابط مشخص و دقیق برای جرایم منکراتی که باید گفته شود این ضوابط کاملاً دقیق و مشخص است که منظور حجاب اسلامی به طور دقیق است. حد شرعی حجاب آن است که تمام بدن را با لباس گشاد و بلند بپوشانند به غیر از گردی صورت که از محل رویدن موی سر تا چانه است. (البته نه زیر چانه) و همچنین غیر از مچ دست تا سرانگشتان که اگر صورت و دو دست تمامچ بدون زینت باشند، اشکالی ندارد والا صورت آرایش کرده یا دستان زینت شده با لاک ناخن، انگشتر، دستبند و غیر ذلک (البته حلقه و ساعت غیر تزئینی استثناء است) نباید بیرون باشند و لباسی که موجب جلب توجه شود، برتن نکنند. اگر کسی این ضوابط را مراعات نماید، هیچگاه او را به جرم منکرات نمی‌گیرند.

### برابری در دادخواهی

تحت این عنوان آمده است که تظلم و دادخواهی از جمله حقوق اولیه افراد به شمار می‌رود و بین زن و مرد فرقی نیست اما اینکه در ادامه ذکر می‌شود که نابرابریهایی که در سایر قوانین به زیان زنان وجود دارد (از قبیل نابرابریهای ناظر بر قوانین خانواده، طلاق، امور حسبی و...) در موارد خاصی جایگاه زن را در مقام دادخواه در دادرسیهای کیفری متزلزل و حتی بی‌اعتبار می‌سازد و به عنوان مثال ذکر شده است مقتولی که فرزندان صغار از او به جای مانده است، مادر صغار به علت عدم ولایت نمی‌تواند از طرف صغار به خونخواهی پدر آنها برخیزد و بعد مورد نابرابری ناشی از ولایت پدر در مباحث خانواده را مطرح کرده‌اند.

در جواب این شبهات مطالبی ذیلاً خواهد آمد:

۱- تظلم و دادخواهی در صورتی است که فرد حقی داشته باشد و حق وی از او گرفته شود و سپس به دادخواهی برخیزد. فی‌المثال زنی خانه‌داری و بچه‌داری نکند و مرد نتواند او را مجبور به انجام این امور کند، در اینجا مرد حق شکایت و دادخواهی ندارد. چون اصلاً شارع مقدس در این مورد حقی برای مرد منظور نداشته است تا او بیاید تظلم و دادخواهی نماید و تنها حقوقی برای زن و مرد ثابت است که خداوند آن حقوق را مقرر داشته است که با نگاه دقیق به احکام خانواده و غیره هیچ حقی از زن و مرد ضایع نشده است و زمانی می‌توان گفت که حقوق از زن و مرد ضایع شده است که شناخت نسبت به اسلام واقعی نباشد.

۲- و اما در حقوق خانواده که اکثریت مردم چنین می‌پندارند که نابرابری بین زن و مرد است. علت آن جهل به تمامی مسائل و احکام خانواده است. فی‌المثال اکثریت مردم اعم از زن و مرد بر این پندارند که زن حق ندارد بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود به طور مطلق. در صورتی که این حکم مشروط است یعنی زن نمی‌تواند بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود مگر اینکه عذر عقلی یا شرعی

داشته باشد که در این صورت حتی اگر شوهر او رامنع از خروج منزل کند، زن می‌تواند از منزل خارج شود و مرتکب هیچ حرامی نشده است. عذر عقلی مانند اینکه بیمار است و می‌خواهد نزد طیب برود برای معالجه و عذر شرعی همانند آنکه زن می‌خواهد به سفر حج واجب برود.

یک سری احکام و حقوق خانوادگی است که تمامی مردم از آن بااطلاعند مثل اینکه مرد می‌تواند چهار زن عقدی دایم در یک زمان داشته باشد. اما اکثریت قریب بالاتفاق مردم غیر از تعداد اندکی (که شاید آن تعداد هم غیر از طلاب و علما نباشند) نمی‌دانند که با عدم توانایی بر رعایت عدالت مابین زنان به نظر بعضی علما حتی زن دوم هم حرام است چه رسد به زن چهارم.

در طلاق هم همین طور است. طلاق حق مرد است اما زن در ضمن عقد نکاح می‌تواند شرط کند که به طور مطلق هرگاه خواست از جانب شوهر وکیل باشد تا خود را مطلقه نماید و هر موقع که زن بخواهد می‌تواند طلاق بگیرد و دچار مشکلی نخواهد بود.

### نابرابری در تصدی مسئولیتهای قضایی

در ذیل این عنوان آمده بود: «غیبت زن در جریان محاکمات جزایی باعث شده است تا بخشی از دیدگاههای نابرابر قوانین کیفری نسبت به زن که حاوی نابرابریهای جنسیتی است توسط قضاوت مرد توجیه هم بشود.» جواب آن است که شرط ذکورت برای قضاوت نظر مشهور فقهاست و نظر فقها بر طبق قرآن و سنت است. البته فقهایی هم بوده‌اند که این شرط را قایل نبوده‌اند و عهده‌دار شدن منصب قضاوت را برای زنان هم جایز می‌دانسته‌اند. مثل مرحوم مقدس اردبیلی که از مقدمین بوده است.

اما گذشته از اینکه حکم فقهاست یا خیر، حقیر می‌خواهد بگوید آیا اکنون که مردان بر منصب قضاوت هستند، آیا هیچ وقت حقی از مردان ضایع نمی‌شود؟ در حالی که گاهی به گوش می‌رسد که به دادخواهی مردان نسبت به ظلمی که بعضی زنان به آنها روا داشته‌اند، توجه نشده است و حقی از ایشان ضایع گشته است.

از سوی دیگر، در زمان رژیم منحوط پهلوی که زنان هم بر منصب قضاوت می‌نشستند آیا هیچگاه به زنان ظلمی نمی‌شد؟ و حقی از ایشان ضایع نمی‌گشت؟ آیا در کشورهای که زن رئیس جمهور بوده است، مثل فیلیپین (خانم اکینو)، ویا زن نخست‌وزیر بوده است، مثل انگلستان (خانم تاچر)، آیا در این کشورها اصلاً به زنان ظلم نمی‌شود؟ و در دیگر کشورهای جهان که مرد رئیس جمهور است، آیا به مردان ظلم نمی‌شود؟<sup>۱۱</sup>

و مطلب سوم اینکه ذکر شده بود که غیبت زنان قاضی، تفسیر قوانین را به نفع زنان متهم غیرممکن می‌سازد. آیا واقعاً این چنین است که هیچ قانونی به نفع زن وجود ندارد؟ آیا حقیقتاً هیچگاه در هیچ دادگاهی به نفع زن حکم نمی‌شود؟ ما قضات عادلانی داریم که از باتقواترین مردانند<sup>۱۲</sup> در اسلام هم تقوا شرط است. هر که باتقوا باشد، حکم الهی را زیر پا نمی‌گذارد و باتوجه به دستورات الهی به پیش می‌رود و جنسیت برایش مطرح نیست. نمونه‌های بارزی هم از علماء و مسئولین داریم که برای حقوق زنان ارزش قائلند و حقی را ضایع نمی‌دارند.

البته در زندگی اجتماعی که مردم با هم در معاشرت هستند، نیاز به قوانینی است که بعضی به نفع یکی است و بعضی به ضرر وی و چاره‌ای از آن نیست. و اگر حکمی به ضرر فردی شده دلیل بر بی‌اعتباری و بی‌ارزشی وی نمی‌باشد.

من باب نمونه مورد اختلاف حضرت علیؑ با آن مرد مسیحی که زره حضرت را به سرقت برده بود که قاضی به نفع مرد مسیحی حکم کرد. با اینکه علیؑ معصوم بودند یعنی دچار گناه و اشتباه نمی شدند، مع ذلک نیاز به حضور شاهدهی بود که علیؑ کسی را شاهد نداشت و به طور قطع این حکم به ضرر علیؑ به معنای شرافت مسیحی بر مسلمین آن هم امیر مومنانؑ نیست.

ذکر این نکته هم ضروری است که شاید بعضی مسائل از نظر ظاهر هم ظلم به نظر برسند اما در واقع ظلمی نیست منتهی به دلیل کمی علم خود اینطور می پنداریم و علما غیر از این تصور دارند.

### نابرابری در ارزش شهادت

در نتیجه گیری از بحث در شماره هفت آمده بود: «در زمینه ارزش شهادت زنان برای اثبات جرم و ارزش سوگند آنان در مقام مدعی گویی دیدگاه قوانین کیفری ایران، زن را هرگز در جایگاه شاهد صادق نمی پذیرد.»

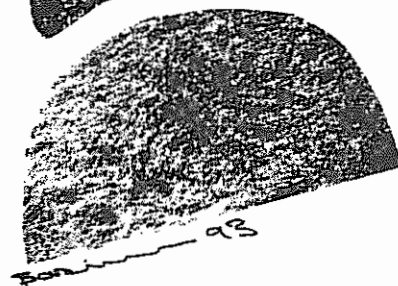
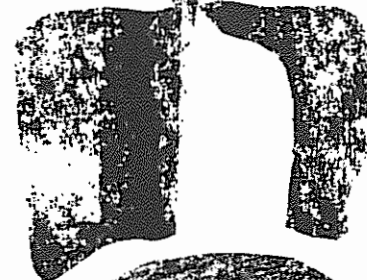
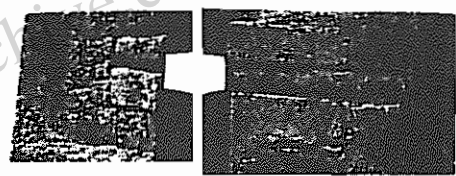
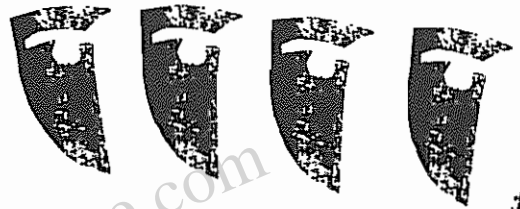
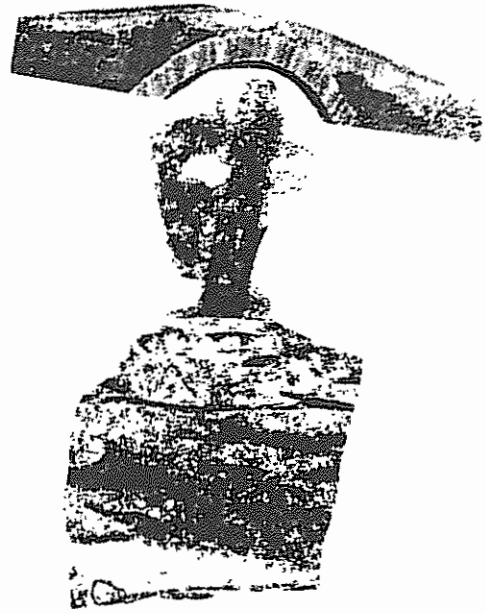
در جواب، ذکر چند مطلب حائز اهمیت است:

الف) این قوانین صرف یک سری قوانین ایرانی نیست بلکه قانون اسلامی است. یعنی این بیان حکم الهی است و منطبق بر فقه شیعی جعفری است. یعنی این قوانین طبق حکم و مصالحی از سوی خداوند وضع شده است و مخالفت با آن و تجدیدنظر در آن امکان پذیر نمی باشد.

ب) اگر شهادت فردی مورد قبول واقع نشد دلیل بر بی ارزشی شهادت او یا مدعای او و یا بی ارزشی و اهانت به خود فرد نیست. عدم قبول شهادت فرد سبب نمی شود تا او کذاب و نامرد شود بلکه شواهد و قرائن باید به حدی باشد که برای قاضی یقین کامل و صددرصد حاصل نماید و سپس بتواند بر اساس یقین خود حکم بدهد. حال این مقدار را که یقین برای وی حاصل شود یا شارع تعیین کرده است مثل اینکه چهار شاهد عادل به زنا شهادت بدهند با تمام فروعاتش و یا شارع معین نفرموده است که خود افراد صاحب منصب تصمیم گیری کرده و حد تعیین را معین می کنند. مثل مورد شهود محلی که زنان باید شوهر دار باشند.

حال با توجه به مطالب فوق اگر سه مرد عادل که از علما و بزرگان هم باشند به زنا شهادت دهند و یک شاهد دیگر پیدا نشود، حد قذف بر این سه جاری می گردد، اگر چه این سه مرد عادل هستند، یعنی گناه کبیره نمی کنند و دروغ و بهتان جزء گناهان کبیره هستند کسی از ایشان دروغ نشنیده است. مع ذلک با تمام این اوصاف حد برایشان جاری می شود. اما حد به معنای بی ارزشی شهادت ایشان نیست یا دلیل بر عدم عدالت ایشان نیست و یا آنکه ایشان را به عنوان صادق نمی پذیرند. بلکه خداوند طبق مصالحی اینطور معین فرموده است.

مصالحی که خداوند در نظر داشته است ممکن است جلوگیری از اشاعه فحشا باشد چون فراهم شدن مثلاً چهار شاهد عادل برای زنا در حد غیر ممکن می نماید. هر کسی به سادگی جرأت نمی کند که گناه دیگری را بر زبان آورد و گناه در جامعه پوشانده می شود و قبح آن از بین نمی رود چون مصلحت الهی بر این تقدیر است که گناه علنی نشود: «ان الذین یحبون ان یشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخره» این جواب کلی است اما چند نمونه به عنوان مثال ذکر می شود.



## نابرابری در ارزش شهادت کتاب دوم باب اول

### یادداشتها:

۱. ادله اربعه شامل کتاب (قرآن)، سنت (احادیث و روایات رسیده و تقریر مصومین (ع) اجماع فقهاء و عقل است (البته عقل فقهاء نه عوام).
۲. اگر چه بعضی افراد بر اثر جهل بسیط چنین می‌پندارند که متولد شدن فرزند پسر باعث شرافت است اما اسلام شلیده آن را رد می‌کند. اگر چه برخی هم در اثر جهل مرکب چنین می‌پندارند که اسلام فرزند پسر را سبب شرافت می‌داند. اگر واقعاً این چنین بودنبی‌اکرم (ص) از داشتن فرزند دختر مضطرب می‌شدند. از اینکه تنها وارث و یادگار ایشان فقط یک دختر است، دچار اندوه می‌گردیدند. در حالی که تاریخ چنین اندوهی را از رسول اکرم (ص) نقل نکرده است. بلکه تاریخ حاکی از احترام و علاقهٔ بیش از حد این پدر و دختر بزرگوار نسبت به یکدیگر است.
۳. برای اطلاع بیشتر به کتاب نظام حقوق زن در اسلام اثر استاد مطهری مراجعه شود.
۴. البته نظر بعضی از علما و فقها متقدمین و متأخرین بر این بوده است که زن می‌تواند قاضی شود. مثل مرحوم مقدس اردبیلی. و اما اینکه زن نمی‌تواند قاضی شود نظر مشهور فقها است نه اجماع فقها.
۵. اثبات توحید و عدل الهی از محل بحث ما خارج است. برای آگاهی بیشتر می‌توان به کتب عقیدتی مراجعه نمود.
۶. البته سن بلوغ دختر و پسر در میان فقها اختلاف است و قانون نظر مشهور را مورد نظر قرارداده است، که دختر را دو سن نه سالگی و پسر را در ۱۵ سالگی بالغ می‌دانند. البته قانونگذار مسئله رشد را از قلم انداخته است که رشد هم علاوه بر سن مورد نظر است که دختر اگر بالغه رشیده بود و جرمی مرتکب شد آنگاه مجازات می‌شود. مسئلهٔ رشد در قانون ذکر نشده است اما در عمل اجرا می‌شود.
۷. مثل موردی که حیض و حمل جمع می‌شود.
۸. اگر زن مکره باشد، حدّ زنا از وی برداشته می‌شود.
۹. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب تحف العقول رساله حقوق امام سجاد (ع).
۱۰. چون تعیین مقدار کارکرد فرد مشکل است، لذا اسلام خود مقدار دبه را معین فرموده است.
۱۱. البته شاید در جواب گفته شود که فقط ایران دارای قوانین اسلامی است. بده، این چنین است. قانون، اسلامی است. اما در مرحلهٔ عمل، تمام قضات عادل نیستند و این ظلمها جز با ظهور امام زمان (عج) برداشته نخواهد شد. چنین ظلمهایی حتی در زمان حکومت علی (ع) و نبی اکرم (ص) وجود داشته است.
۱۲. البته در اسلام در مرحلهٔ کمال، جنسیت مطرح نیست. جنسیت برای بعد زندگی حیوانی و دنیوی انسانی است نه کمالات معنوی. و فقط در این امور دین جنسیت مطرح است.

### منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تفسیرالمیزان مرحوم علامه طباطبایی ره
- ۳- زن در آینه جلال و جمال آیت الله جوادی آملی مدظله العالی
- ۴- نظام حقوق زن در اسلام شهیداستاد مطهری
- ۵- تحف العقول ابو محمد الحزازی ره
- ۶- اللغه الدمشقیه شهید ثانی
- ۷- تحریرالوسیله امام خمینی ره
- ۸- توضیح المسائل مطابق با فتاوی امام خمینی ره
- ۹- بهشت خانواده دکتر سیدجواد مصطفوی
- ۱۰- قانون جزایی فرج الله قربانی
- ۱۱- روح زن جینا لبروزو
- ۱۲- بعض مطالب از بیانات اساتید حوزه علمیه قم در ضمن تدریس استفاده شده است.
- ۱۳- کتاب واجب و حرام آیت الله مشکینی
- ۱۴- حقوق خانواده سیدمصطفی محقق داماد

در ذیل این عنوان آمده است در مادهٔ ۷۶: «قانونگذار نه تنها شهادت زنان را به تنهایی مردود دانسته است، بلکه شهادت زنان را به انضمام شهادت یک مرد عادل مشمول مجازات حد قذف در مورد شهود تشخیص داده است.»

اولاً این قانونگذار که چنین قانونی وضع کرده است، خداوند بوده است و درجایی که خدای سبحان می‌فرماید: «ولقد کرّمنا بنی آدم» ما انسانها را کرامت دادیم که این انسان شامل دو جنس زن و مرد است و رسول گرامیش می‌فرماید: «ما اکرم النساء الا کریم و ما اهانهن الا لثیم» زنان را جز افراد بزرگوار و کریم مورد کرامت قرار نمی‌دهند و به زنان اهانت نمی‌کنند جز افراد پست و فرومایه، پس دیگر جایی باقی نمی‌ماند که گفته شود اسلام زن را بی‌ارزش دانسته است. بلکه روشن می‌شود که معیار ارزش از نظر عقل ناقص بشری و از نظر کمال بی‌انتهای ربوبی متفاوت است و مسلم است که علم الهی بر عقل ناقص بشری ترجیح دارد این به دلیل عقل ثابت است. ثانیاً چون این مورد از موارد بسیار حساسی است که پای مرگ و زندگی و آبرو و حیثیت فردی و خانوادگی در میان است و مسائل و عواقب بسیار حساس و خطرناکی را در پی دارد لذا شهادت دو زن مورد قبول است و از سوی دیگر زنان دارای یک سری عواطف هستند که خیلی سریعتر تحریک می‌شوند از سوی دیگر به فرمودهٔ قرآن مجید دچار نسیان می‌شوند: «فان لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان ممن ترضون من الشهدا ان تضل احدیهما فتذکر احدیهما الاخری. یعنی اگر دو مرد نبودند برای شهادت پس یک مرد و زن از کسانی که شهادتشان مورد قبول است (یعنی عادل باشند). که اگر یک زن فراموش کند، دیگری او را تذکر بدهد.» زنان به علت اینکه درگیر امور خانه هستند احتمالاً نسیان بیشتری دارند.

مثال:

به عنوان مثال هر مخترعی از قواعد و کیفیت اختراع خود بهتر از دیگران آگاه است. این سخن مورد تأیید عقلاء است خداوند نیز خالق بشر است و از خصوصیت این بشر آگاهی بیشتری دارد تا خود بشر. لذا خداوند این خصوصیت زن را بیان فرموده است و این به معنای بی‌ارزشی نیست. آن چیزی ارزش است که ارادی باشد نه غیرارادی.

گذشته از مطالب فوق، تحقق چنین حکمی بسیار بسیار بعید وقوع است. چون شهادت یعنی کسی که به چشم خود صحنهٔ گناه و مورد نظر را دیده باشد و دو فرد مجرم را کاملاً بشناسد. در ضمن فرد شاهد باید عادل باشد تا شهادت وی مورد قبول واقع شود و چهار شاهد با چنین خصوصیت باید فراهم شود. شاهدانی با چنین خصوصیت چقدر می‌تواند تحقق یابد!!! مسلماً بسیار کم و انگشت شمار و شاید از صدر اسلام تاکنون موارد آن از تعداد انگشتان دست متجاوز نباشد لذا این نابرابری به طور طبیعی ایجاد می‌شود چه این قانون باشد یا نه.

موردی هم وجود دارد که حتی با توجه به شهادت چهار شاهد عادل حد زنا از زن برداشته می‌شود و آن موردی که زن به گناه مکره بوده است اعم از اینکه جاننش در خطر بوده است یا به اجبار بوده است.

«والسلام علی من اتبع الهدی»